هفته نامه

نوید

(وابسته به حزب توده ایران)

سال چهارم، شمارهٔ ۷۱ ، شنبه ۱۲ اسفند ۱۳۵۷

دست «سیا» در تجدید سازمان ساواک

درحالی که یورش های مسلحانه شبانه به مراکز حساس ورزمندگان انقلاب ومبارزان سرسخت راه آزادی ، درشهرهای مختلف به ویژه تهران و تبریز ادامه دارد، درحالی که پخش انواع اعلامیه ها ونشریات مشکوک که زیرچترآزادیخواهی بسیار زیرکی به تفرقه اندازی بین نیروهای ملی ومبارز و تحریک جناح های مذهبی و چپی علیه یکدیگر مشغول است اوج روزافزون می گیرد ،درحالی که حزب سازی ومعرکه گیری های سیاسی با قصد تخریب و تحریف و فرقه بازی ولجن پراکنی درصفوف مبارزه، ضدامپریالیستی با ظهورو تحرک فی البداهه سازمان ها و شبکه هایی نظیر حزب کمونیست خلق البامه جناب "آذربون" ودیگرشرکاء و شعبده بازان فرصت طلب که هریک خروارها ادعا و طلبکاری رادربرابر نهضت گذاشته اند، بازارگرمی دارد، نقش ساواک منحله رژیم محمدرضاشاهی به صورت یک سازمان تروریستی وفعال زیرزمینی دراین ماجراها هرروزآشکارتر می شود. به دنبال هشداری که ما درنوید شماره گذشته دررابطه با تجدید سازمان پنهانی کادرهای ساواک وخطرجدی ای که ازاین رهگذر انقلاب مردم ایران راتهدیدمی کند، دادیم ، چندروز پیش ، روزنامه ها خبردادند که صدها عضوفعال سازمان جهنمی ساواک دربرابر نخست وزیری اجتماع کردند وخواستارادامه خدمت وتعیین تکلیف خودشدند!معاون نخست وزیربا حیرت ازنمایندگان این دژخیمان خلق پرسیده بود: "در حالی که هیچ یک ازشما شبانه روز درخانه خود نیستید ، چگونه توانستید دریک ساعت معین دریک محل مشخص اجتماع کنید؟" این پرسش بی جواب ، در واقع نشانهٔ کامل خبرتجدیدسازمان ساواک وبرقراری رابطه زیرزمینی بین اعضاء وفعالین آن است . سازمانی که می تواندبیش ازهزارمامورو مسئول خودرا برای ملاقات با نخست وزیربسیج کند . ازاین نیروومیتواند درجهت هدف ها ونیات پلیدبیگرهم استفاده کند. با توجه به نقش ابلیسی، ضدملی وضددموکراتیک این سازمان درایجاد وحشت وشرارت درعصراختناق آریامهری ،تشخیص نیات و تجدید سازمان وفعالیت این شبکه تروریستی معزول به آسانی قابل درک است . با چنین برداشتی است که مردم بانگرانی می پرسند: وقتی این گزمه ها ودژخیمان وجاسوسان استبدادوامپریالیسم با پای خودبه نخست وزیری رفته اند، چرا برای دستگیری آنها اقدامی نشده وبرعکس به آنها قول رسیدگی وروشن کردن وضعشان داده شده است ؟ چرا برای سر درآوردن ازنقشه ها ونحوه فعالیت ضدانقلابی این جاسوران که حتی معاون نخست وزیربه طورتلویحی واقعیت آن راتاکید کرد، هیچ اقدامی نشد؟

درشرایطی که عملا بودجه های افسانه ایساواک قطع شده ، به حرکت درآوردن دوباره چرخ های این ماشین جهنمی عریض وطویل هزینه های گزاف وفوق العاده می طلبدودرست همین جاست که سرانگشت توطئه گر"سیا" (سازمان اطلاعاتی وجاسوسی امریکا) درتجدیدسازمان مطلوق سرسپرده وورشکسته خودآشکار می شود. این دفعه وقتی بیشتررخ مینماید که به این پرسش وکنجکاوی عمومی برگردیم که:

" آن دهها هزارمامورشکنجه و تعقیب وجاسوسی وخرابکاری و شابه سازی پرخرج ترین سازمان سوگلی رژیم آریامهری حالا کجا هستند؟ آن هزاران جاسوس و کارشناس ومامورسیا که به گواهی جراید ورسانه های گروهی غرب درآخرین ماهها وهفته های رژیم گندیده سابق با عجله واردایران شدند اینک به چه کارمشغولند؟"

این واقعیت راآیت الله طالقانی درمصاحبه تلویزیونی جمعه شب گذشته به صورت هشداربیان دیگری مطرح کرده که : بیش ازهشت هزارتن ازماموران ساواک درشبکه های مخفی ، با تجهیزات بسیار ، در همکاری با ماموران سیا وجاسوسان سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) درکمین انقلاب ایران هستند.

مساله تجدیدسازمان وفعالیت زیرزمینی سازمان جنایتکار امنیت درچنین متنی است که به صورت یک خطر بسیارتهدیدکننده ومهلک دربرابر انقلاب مردم ایران خودنمایی می کندودولت موقت انقلاب رادربرابر مسئولیت حساس وخطیر درهم شکستن کامل این سازمان تبهکاروتوطئه گرومجازات تمامی عمال جنایت پیشه آن متعهدمی گرداند .

دولت «موقت» وخواست های مردم

پرسش ها وخواست هایی که مردم دربرابردولت موقت قرارمی دهند، درخطوط اصلی اش ، محتوی ونیروی محرکه وآماج های انقلاب رانشان می دهند - وبه همین جهت بهترین الهام وهدایت رابرای رهبران در شرایط بغرنج و متلاطم کنونی دربردارد. مردم می گویند دولتی که ارکان یک انقلاب پیروزمنداست با بدبا همه مسایل سیاسی واجتماعی واقتصادی به طورانقلابی روبروشود ،درغیراین صورت چه فرقی است بین یک دولت عادی که در شرایطی عادی برسرکاراست ودولتی انقلابی که بر فراز موج وتوفان درحرکت است ووظیفه پایان دادن به یک دوران طولانی رخوت وتباهی وآغاز یک دوران تحولی تازه رادرکوتاه ترین فرصت برد وش دارد؟

مهندس بازرگان درنطق رادیو- تلویزیونی خوددر چهارشنبه گذشته درپاسخ به پاره ای گلایه ها و اعتراض ها وپیچ پچه های نارضایتی ، مسایلی را مطرح کردکه خودبرانگیزاننده سوال های تازه است او گفت :

" دولت من یک دولت موقت است " واز این موقتی بودن نتیجه گرفت که مسئولیت ها و وظایف این دولت هم محدودوموقتی است . اوگفت که توقعات زیادی از ما وجوددارد که یک شبه ره صدساله بپیمائیم .باید فرصت داد. وبا توصیه صبروتوکل ، تصریح کرد: اما مرهیچ تعهدی نداده ام که همه مشکلات راحل می کنم :

خصلت "موقتی" بودن دولت آقای بازرگان درست همان مسئله ای است که مردم روی آن توقف میکنند. مردمی که بهای سنگین یک انقلاب پردردوخون را پرداخته وهمچنان آماده اندبپردازند، توقعات وانتظارات زیادی دارندوحق دارندکه داشته باشند. دولت موقت درست به خاطر موقتی بودنش نمی تواندفرصت زیادی را طلب کندو انجام مبرم ترین وحیاتی ترین خواست های مردم ووظایف انقلاب رالحظه ای به تاخیراندازد. وبازدرست به خاطر همین موقتی بودن ، برنامه ها واقداماتش نبایدد در روندآینده انقلاب محظوری ایجادکنند. پایه هایی که دولت موقت می گذارد، چه بخواهدوچه نخواهد ستون های ساختمان جامعه فردای انقلاب است وبه همین جهت سنت والگویی که فی المثل درتجدید سازمان ارتش ونیروهای انتظامی وانتصابات در ادارات وسازمان های دولتی وغیره گذاشته میشود، اگربامضمون انقلاب وآرمان های مردم انقلابی و نیازهای جامعه آزادومترقی فردا هماهنگ نباشد ، ازهم اکنون سدهایی دربرابر این آینده قرار می دهد.

اتفاقا درست همینجاست که مردم ، بی آنکه توقع داشته باشند" یک شبه ره صدساله پیموده شود" و همه خرابی ها آبادونابسامانی ها سامان بپذیرد ، مجدانه می خواهنددولتی که مسئولیت انجام وظایف وهدف های انقلاب رادرعمل پذیرفته است و بی آنکه به طورلفظی تعهدی سپرده باشد، همه تعهدات انقلاب رابرعهده دارد، ازهم اکنون جهت حرکت رابه نحوی تنظیم وانتخاب کندوپایه ساختمان جامعه نورابه صورتی پی ریزی نماید که این اطمینان تحکیم شودکه درخت انقلاب میوه های دلخواه مردم رابه بارخواهدآورد. مردم هرحرکت واقدامی رادراین جهت تایید وپشتیبانی می کنند وباهرنوسان وفاصله گیری مسئولان ازاین مسیرو جهت ، احساس نگرانی خودرابه اشکال مختلف و از جمله دربحث ها ومناظره ها ومیتینگ ها واعلامیه ها ظاهرمی سازند. اگرازخواست ها وفشارها وتوقعات افراطی و تفریطی درگذریم - که بایدگذشت - اساسی ترین گرایش ها و خواست های عظیم ترین توده های شرکت کننده در انقلاب رادردواصل می توان منعکس کرد:

۱- اجرای آنچنان برنامه انقلابی قاطعی که پیروزی های به دست آمده رااززهردستبرداحتمالی حفظ کندوبه صورت برگشت ناپذیری درآورد.

۲- گسترش دستاوردهای انقلاب وپیش راندن آن ازطریق انجام بی وقفه وظایف انقلاب وهدف هایی که مردم به خاطرآنها به میدان خونین مرگ وخطر آمدندو شهادت و رنج رادرازای آن پذیرفتند.

۱- درموردا صل اول ، نابودی سریع وانقلابی همه بنیادها و اهرم های رژیم استبدادمتکی به امپریالیسم دردستورروزقرارمی گیرد. ازاین جمله است درهم شکستن کامل دستگاه جهنمی ساواک و دستگیری ومحاکمه مسئولان ودژخیمان این دژ اصلی استبدادو امپریالیسم ، نوسازی ارتش ودستگاه نظامی رژیم منحله آریامهری ، ازطریق نفی همه آئین نامه ها ومقرراتی که اطاعت کورکورانه از مافوق ، وفاداری به نظام فاسدوروحیه گلادیاتوری راترویج می کردوبا دورنگهداشتن ارتش ازمردم و برکناری اسمی وظاهری ارتشیان ازامورسیاسی اجتماعی(درحالی که عملا درخدمت سیاست امپریالیستی و استبدادی بود)عملا ازارتش یک ماشین مهیب سرکوب ساخته بودکه موتورآن را امپریالیسم تنظیم می کرد. اگرقراربا شدنوسازی ارتش ازعناصرا مادی مشکوک ومهره ها و عناصری استفاده شودکه به سابقه مغزشویی و تزریق اخلاق امریکایی به آنها به جای کنارمردم، درمقابل آنها قرارداشتندو سربازان وافرادزیردست و مهم ترازآن مردم راچون بردگانی درزیر پای خودمی نگریستند، واسکلت وسیستم بندی ارتش دگرگونی بنیادی لازم رانپذیرد، ما به زودی در بالای سرخودارتش منحط شاهنشاهی راباشکل ونام دیگری خواهیم یافت. تبدیل ارتش قراقی به ارتش واقعاملی ، اخراج کامل همه مستشاران نظامی و جاسوسان امریکایی ، وقطع ریشه هرنوع وابستگی سیاسی واقتصادی ونظامی به امپریالیسم ومحاکمه ومجازات فوری همه جنایتکاران وتاراجگران و تجاوزگران رژیم ساقط شده ، مهم ترین تکالیف روزانقلاب است .

۲- وظیفه بسط دادن وتعمیق انقلاب در رابطه با محوسریع علائم وآثاراختناق و دیکتاتوری سیاه محمدرضاشاهی هم درعرصه اقتصادی وهم در عرصه سیاسی ، قابل طرح است . رسالت انقلاب ایران صرف نظر از احیا وتوسعه منابع اساسی ملی و ملی کردن بانکها به مثابه بازوی اختاپوس امپریالیسم وسرمایه داری وابسته مالی وغیره، بازگرداندن آزادی های تاراج شده ، تامین فعالیت آزادانه همه احزاب وگروه ها وسازمان های سیاسی ، وسندیکاها واتحادیه های کارگری وغیرکارگری ، طردهرنوع سانسور، چه درمطبوعات ورادیو- تلویزیون وچه درعرصه های آموزشی و فرهنگی است . وسرچشمه بسیاری ازاعتراضات و مناظره ها هم همین جاست . ساختمان وماهیت شرایط اقتصادی واجتماعی مادرپیوندمستقیم با شرایط سیاسی وآزادی های فردی واجتماعی است . ازاین رومردمی که مبارزه ای طولانی و پرجاذبه رابه این مرحله ازپیروزی رسانده اند، با بحث ها واعتراضات واظهارنظرهای خودبا همه جنب وجوشی که دارد، به حیات سیاسی جدیدطراوت وتحرک می دهندو می کوشندرابطه دولت ومردم راکه سالهای سال به طورعمدی و مصنوعی گسسته بود، برقرارکنندو نظارت مردم رادرسیاست ها وبرنامه ها واقدامات حکومتی به صورت محرزترین حقوق اجتماعی تامین سازند. دولت موقت آقای بازرگان به صرف موقتی بودن نمی تواننداین مهم ترین تقاضاها راکه ضرورت مبرم انقلاب ملی ودموکراتیک ماهم هست ، حتی لحظه ای ازنظردوردارد وبا حرکت سریع به سوی آن رابه بعدموکول کند ، گیرم که خودبرای اجرای این منظورها ووظایف هیچ تعهدی برزبان نرانده باشد .

اطلاعیهٔ

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به دنبال گسترش دامنهٔ جنبش انقلابی بسیاری ازگروه هایی که مشی حزب تودهٔ ایران راپذیرفته وبا هواداری ازحزب بندبرشدت فعالیت خودبه طورهمه جانبه ای افزوده اندکه به جای خودموجب خرسندی است . ولی مشاهده می شودکه برخی ازاین گروه ها نشریاتی منتشر می کنندکه با سیاست رسمی حزب توده ایران فاصله دارد.

با توجه به حساسیت لحظه، حاضروضرورت فعالیت سیاسی دقیق و متمرکز ، ازهمه گروه ها می خواهیم که ازهرگونه اظهارنظرمستقل درمسائل سیاسی خودداری کرده ، به تکثیرنشریات مرکزی حزب اکتفا نمایندتا ازپیدایش سوء تفاهمات احتمالی و دشواری های ناخواسته جلوگیری شود .

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۹ اسفند ۱۳۵۷

پرولتاریا برای بدست آوردن قدرت حاکمه سلاحی جز سازماندهی ندارد «لنین»

حقوق و آزادیهای سندیکایی در یک رژیم دموکراتیک

چنانکه تاریخ جنبش سندیکایی نشان می دهد در هر کشوری که ارتجاع و انحصارهای امپریالیستی به برقراری فاشیسم توفیق یافته اند، پس از درهم کوبیدن سازمانهای دموکراتیک و از جمله سندیکاهای واقعی زحمتکشان کوشیده اند با اعمال ترور و شکنجه و زندان و کشتار فعالین جنبش دموکراتیک، طبقه کارگر را مرعوب سازند، ایدئولوژی منحط و ضدکارگری خود را در زحمتکشان رسوخ دهند تا آنها را زیر سلطه جابرانه خود نگهدارند.

یک نظر اجمالی به تاریخ جنبش کارگری و سندیکایی ایران نشان میدهد که زحمتکشان میهن ما با دادن قربانی های فراوان و پس از مبارزات طولانی، فقط طی مدت کوتاهی پس از جنگ جهانی دوم که ارتجاع و امپریالیسم در اثر شکست فاشیسم تضعیف شده بود، توانستند بخشی از حقوق سندیکایی خود را به دست آورند و اتحادیه های واقعی خود را تشکیل دهند. اما با کودتای خائنانه و امپریالیستی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ همه حقوق و آزادی های دموکراتیک، از جمله حقوق سندیکایی زحمتکشان سفاکانه پایمال گردید. سندیکاها و اتحادیه های فرمایشی و ساواک زده جایگزین سندیکاهای واقعی کارگری گردید. اساسنامه سندیکاها به تصویب وزارت کار و ساواک می رسید، رهبران سندیکا از طرف ساواک تحمیل می شدند، تظاهرات مسالمت آمیز زحمتکشان و اعتصابات آنان به خاک و خون کشیده می شد. کارمندان حق تشکیل سندیکا نداشتند، اجتماعات مردم حتی در مساجد به رگبار گلوله بسته می شد. زحمتکشان فقط مطبوعاتی را که از فیلتر سانسور ساواک گذشته بود و از کیش پلید شاه پرستی انباشته بود در اختیار داشتند. آموزش سندیکایی تنها تا حدودی که وزارت کار در چارچوب تبلیغ سازش و همکاری طبقاتی و تربیت کارگران لازم می دانست انجام می گرفت. از رژیمی چنان ضدملی، ضد دموکراتیک و ضدخلقی انتظاری جز این هم نمی رفت.

اما در تمام این سالها طبقه کارگر ایران، علی رغم همه دشواری ها، یکدم از پای ننشست و همواره در صف مقدم مبارزه با رژیم استبداد سلطنتی گام برداشت و در یکساله اخیر در جریان انقلاب ملی و دموکراتیک ایران، با اعتصابات رزمی و سراسری خود، با آنکه سنگین ترین بار مشکلات ناشی از بحران اقتصادی را بر دوش میکشید، در سراسر رژیم سفاک آریامهری سرکشترین ضربات وارد آورد و کمر استبداد را شکست. در عین حال که با حضور مسلحانه خویش در دیگر عرصه های نبرد، از تظاهرات و راه پیمائی های سیاسی مسالمت آمیز گرفته تا نبرد مسلحانه تاریخی که به مرگ سلطنت منفور پهلوی انجامید، بر پهنا و ژرفای جنبش انقلابی افزود و پیروزی کنونی آن را تضمین کرد.

کارگران و زحمتکشان قهرمان ایران که با جانبازی و فداکاری و رزم حماسی سنگرهای استبداد و امپریالیسم را درنوردیدند، اکنون با تمام نیرو برای کسب خواست های حقه صنفی و احیای حقوق و آزادی های سندیکایی خود تلاش می کنند و از دولت موقت، که آن را به عنوان ارگان قیام پیروزمندانه مردم در برآوردن مبرم ترین خواست های جنبش پیروزمند انقلاب متعهد می دانند، به درستی انتظار دارند که در جهت ارضای نیازهای مادی و خواست های صنفی و ایجاد محمل های لازم برای تامین حقوق و آزادی های سندیکایی آنان گام بردارد.

ما در اینجا بخشی از حقوق سندیکایی زحمتکشان را آنچنانکه در "اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی" آمده است در زیر می آوریم:

— زحمتکشان حق دارند آزادانه و بدون کسب اجازه گرد هم آیند، درباره کلیه مسائل مورد علاقه خود بحث و اظهار نظر کنند.

— زحمتکشان از آن جمله کارمندان دولت حق دارند سندیکا تشکیل دهند، به سازمان های سندیکایی موجود بپیوندند، بدون اجازه و کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان در هرگونه سندیکایی شرکت نمایند.

— اعضای سندیکا آزادانه اساسنامه سندیکای خود را تنظیم می کنند و طرز کار و فعالیت های سندیکا را بدون دخالت و کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان سازمان می دهند.

— اعضای سندیکا حق دارند بر طبق اساسنامه سندیکا رهبران خود را انتخاب کنند و به عضویت ارگان های رهبری سندیکایی انتخاب شوند.

— زحمتکشان حق دارند برای دفاع از منافع خود در هرگونه عمل سندیکایی اعم از اعتصاب، تحریم، تشکیل گروه اعتصاب، اعتصابات، اشغال محل کار، تظاهرات خیابانی و اشکال دیگر مبارزات سندیکایی شرکت جویند.

— زحمتکشان حق دارند برای ابراز همبستگی به اعتصابات یا اقدامات دیگری که مناسب می دانند دست زنند و به این مناسبت نباید مورد بازخواست، اخراج یا تنبیه قرار گیرند.

— زحمتکشان حق دارند مطبوعاتی را که مایلند به دست آورند. مطبوعات و نشریات سندیکایی و کارگری را پخش کنند، به تبلیغات سندیکایی بپردازند و بدون دخالت مقامات دولتی و کارفرمایان آموزش سندیکایی مورد پسند خود را کسب نمایند.

— زحمتکشان حق دارند به سازمان سندیکایی مراجعه نمایند و در کلیه مسائل مربوط به دفاع از منافع و حقوق فردی و اجتماعی خود از آن کمک بگیرند.

— بیکاری جزیی یا کامل یک زحمتکش به هیچ وجه نمی تواند مانع برخورداری وی از تمام حقوق سندیکایی گردد.

این حقوقی است که در هر کشور دموکراتیک کاملا ابتدایی به حساب می آید و در حالی که در زیر سلطه رژیم ضدمردمی سرنگون شده همه این حقوق اولیه پایمال گردیده بود، اکنون کارگران و دیگر زحمتکشان ایران از دولت موقت آقای مهندس مهدی بازرگان، که نتیجه پیروزی مبارزات قهرمانانه و جانبازانه تمامی مردم ایران است، انتظار دارند که این حقوق و کلیه مفاد "منشور حقوق سندیکایی" زحمتکشان را که برای نخستین بار در ۹ دسامبر ۱۹۵۲ از طرف شورای عمومی فدراسیون سندیکایی جهانی به تصویب رسید و در آن خواست های بنیادی قشرهای وسیع زحمتکشان عده کثیری از کشورها، صرف نظر از گرایش های سیاسی و وابستگی سندیکایی آنها بازتاب یافته است، و نیز اصول مندرج در "اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی" را که در اوایل سال جاری به تصویب فدراسیون سندیکایی جهانی رسید و حاصل تجربیات ۲۵ ساله این سازمان و در جهت تقویت حقوق سندیکایی زحمتکشان همه کشورهاست، به رسمیت بشناسد و مراعات کند.

به موجب مندرجات "اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی" در یک رژیم دموکراتیک:

— سندیکاها حق دارند به نمایندگی زحمتکشان برطبق اساسنامه ای که خود آنان آزادانه تنظیم و تصویب کرده اند، بدون دخالت یا کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان، فعالیت نمایند. سندیکاها شخصیت حقوقی دارند.

— سندیکاها حق دارند طرز انتخاب رهبران و ارگان های اجرایی خود را آزادانه تعیین کنند، اداره امور داخلی خود را سازمان دهند و برنامه عمل خود را تدوین نمایند.

— اداره امور مالی سندیکا فقط حق سندیکا است و مقامات دولتی و کارفرمایان حق دخالت و کنترل آن را ندارند. اموال و دارایی سندیکا را به هیچ عنوان نمی توان مصادره کرد.

— سازمانهای سندیکایی حق دارند برطبق اساسنامه حق عضویت یا کمک جمع کنند.

— سازمانهای سندیکایی حق دارند بدون کسب اجازه از مقامات دولتی، کنفرانس، کنگره، میتینگ، تظاهرات از آن جمله تظاهرات خیابانی تشکیل دهند.

— سازمانهای سندیکایی حق دارند هیئت هایی را تشکیل دهند و یا از کلیه اقداماتی که به منظور تشکیل اعتصاب به عمل می آید پشتیبانی نمایند. به مناسبت این عمل فعالیت ها در هیچ موردی نمی توان کسی را مورد بازخواست و تنبیه قرار داد.

— سندیکاها حق دارند مکانهایی را که در خور فعالیت آنها است به دست آورند و منحصرا خود آنها را اداره کرده، مورد استفاده قرار دهند.

— سازمانهای سندیکایی حق دارند تعلیمات سندیکایی و فعالیت های دیگر آموزشی و فرهنگی زحمتکشان را سازمان دهند و برای استفاده زحمتکشان مدرسه، کتابخانه، کلوب و بنگاه های دیگر آموزشی، فرهنگی، تفریحی و ورزشی تاسیس و اداره نمایند.

— سندیکاهای کلیه حرفه ها و مشاغل حق دارند برمبنای حرفه ای، صنعتی، محلی، استانی و کشوری فدراسیون تشکیل دهند و یا به فدراسیون های موجود بپیوندند.

— سندیکاها حق دارند با شرکت فدراسیون ها و سندیکاهای صنایع، حرفه ها و مشاغل گوناگون کنفدراسیون های کشوری تشکیل دهند.

— سازمانهای سندیکایی حق دارند به منظور دفاع از منافع و حقوق زحمتکشان درباره اقدامات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دولت اظهار نظر کنند و در مورد کلیه مسائلی که با منافع و حقوق زحمتکشان ارتباط دارند یا آنها را به خطر می اندازد مذاکره و اقدام کنند.

— سندیکاها حق دارند درباره دستمزدها و شرایط کار با کارفرمایان و از آن جمله با مقامات دولتی مذاکره نمایند و با آنها در مورد یک حرفه یا جمعی از حرفه ها و همچنین به مقیاس کشوری پیمان جمعی منعقد سازند.

— سندیکاها حق دارند در کلیه موسساتی که به مسائل مربوط به زحمتکشان می پردازند نماینده داشته باشند، مدافع منافع فردی و جمعی زحمتکشان باشند و برای دفاع از منافع آنان به اقدامات قانونی دست زنند.

— سندیکاها حق دارند در اداره واقعی امور بیمه های اجتماعی و سازمانهای آموزش حرفه ای و دیگر موسسات مربوط به مسائل اجتماعی شرکت کنند.

— سازمانهای سندیکایی باید در کلیه مسائلی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به زحمتکشان مربوط است، به ویژه هنگام تنظیم قوانین و آئین نامه ها مورد مشورت قرار گیرند. آنها حق دارند طرح های قانونی تنظیم نمایند.

— افرادی که به عنوان نماینده کارگران انتخاب می شوند حق دارند به کارگاهها و امکنه موسسه مربوطه رفت و آمد کنند و اگر کارگران در ساختمانهای سازمانی ساکن باشند، به محوطه سکونت کارگران وارد شوند.

— سندیکاها حق دارند به منظور تکمیل، تطبیق و یا بهبود قراردادهای جمعی کشوری، در محل کار با کارفرمایان پیمان جمعی منعقد سازند.

— سندیکاها حق دارند با تصمیمات یکجانبه ای که بدون مشورت قبلی با سندیکاها برای تغییر شرایط کار از جانب کارفرما اتخاذ می شود، مخالفت ورزند.

— در کلیه مواردی که ادامه کار برای جان یا تندرستی کارگران خطرناک باشد، سندیکاها حق دارند تعطیل فوری کار را بخواهند.

کارگران و زحمتکشان ایران که در راه سرنگونی رژیم ضدملی و ضد دموکراتیک با نهایت فداکاری و سرسختی مبارزه کردند و در پیروزی جنبش انقلابی بر نظام فرسوده و منفور سلطنتی سهم عظیمی داشتند، اکنون مصممند در جهت احیای حقوق و آزادی های پایمال شده سندیکایی، پاکسازی سندیکاها از عناصر ضدکارگری و ایجاد سندیکاهای مستقل و واقعی خود با تمام نیروی عظیم خویش به تلاش و مبارزه ادامه دهند.

اعتراض

کمیته مرکزی حزب توده ایران به تجاوز جنایت آمیز چین به جمهوری سوسیالیستی ویتنام

هم میهنان عزیز! حمله نظامی چین به جمهوری سوسیالیستی ویتنام، همه مردم شریف و صلحدوست جهان را عمیقا برآشفته است. رهبران چین مدتهاست در راه سازش با شریرترین نیروهای امپریالیستی گام گذاشته و به منافع خلق چین و جنبش های ضد امپریالیستی جهان آشکارا پشت کرده و تمام تلاش خود را برای کشاندن جهان به یک جنگ نابود کننده به کار انداخته اند. سفر هوا کوفنگ به ایران و پشتیبانی گستاخانه او از رژیم شاه و سرزنش دیپلماتیک امپریالیسم آمریکا درباره اینکه به اندازه کافی برای نگهداری رژیم ددمنش شاه در ایران کوشش نکرده است، در [illegible] است. پس از آنکه کلیه تلاش های رهبری چین برای سرپیداری خلق ها و نیروهای صلحدوست جهان نقش برآب گردید، اکنون خود به یک ماجرای خطرناک دست زده اند.

جالب است که دولتی به چنین تجاوزی جنایت آمیز دست می زند که هنوز بخشی از خاکش زیر چکمه سربازان امپریالیستی آمریکا و انگلیس قرار دارد.

نکته جالب دیگر این است که چین درست پس از برقراری روابط سیاسی با آمریکا، پس از جلب موافقت تلویحی برای دادن اعتبار و اسلحه، پس از عقد پیمان های خائنانه با میلیتاریست های ژاپن، این حمله خائنانه را آغاز کرد تا به همدستان امپریالیستی خود ثابت کند که برای برافروختن جنگ علیه ملت های صلحدوست، علیه کشورهای سوسیالیستی، علیه همه جنبش های ضد امپریالیستی جهان در کنار امپریالیست ها آماده است.

حزب توده ایران این اقدام رهبران چین را یک خیانت علیه صلح، علیه امنیت جهانی، علیه جنبش های آزادی بخش ملی جهان و ایران میداند و آن را به شدت محکوم می کند.

حزب توده ایران همه مردم ضد امپریالیست ایران را فرا می خواند که از هر راه که می توانند اعتراض و نفرت خود را نسبت به این تجاوز جنایتکارانه دولت چین و دوستی و پشتیبانی خود را از خلق قهرمان ویتنام نشان دهند.

حزب توده ایران خواستار آن است که عملیات نظامی بدون درنگ قطع گردد و ارتش متجاوز چین به پشت مرزهای خود عقب رود.

دست جنایتکاران چین از ویتنام کوتاه!
درود به خلق قهرمان ویتنام!
به مردم ویتنام کمک کنید!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۳۰ بهمن ۱۳۵۷

نبی و خسرو به حزبتان خوش آمدید
روانبخش/بسوی آبادان ـ محمد
مسعود ـ ۳/البرز/کاوه/خروش
ـــــ باران ـــــ

پیش بسوی جمهوری ملی و دمکراتیک ایران